

تأثیر شکاف عقیدتی شیعه و سنی در روابط سیاسی میان ایران و مصر پس از سقوط مبارک

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۱

حمید نساچ^{۱*}

پرویز جمشیدی مهر^۲

نصیبه عبدی پور^۳

چکیده

مهم‌ترین رخداد منطقه خاورمیانه پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، موج خیزش بیداری کنونی در این منطقه است؛ خیزشی که ضدیت با استبداد، تقاضای بهبود وضع معیشتی مردم و اسلام‌گرایی، ویژگی‌های اصلی آن به‌شمار می‌روند. بی‌تردید مهم‌ترین کشوری که انقلاب در آن به‌وقوع پیوسته، مصر است. موقعیت استراتژیک این کشور، تأثیر آن در تحولات منطقه و جهان اسلام و نقش آن در مسئله فلسطین، موجب شده‌است که نوشتار حاضر به بررسی اوضاع آن پرداخته، موانع روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران را مورد کنکاش قرار دهد. پرسش اصلی این است که «چرا پس از وقوع انقلاب در مصر و سقوط رژیم دیکتاتوری مبارک و دست‌کم تا پیش از خارج‌شدن قدرت از دست اخوان المسلمین، روابط سیاسی دو کشور ایران و مصر به نقطه مطلوب مدنظر نرسید؟»؛ انتظار می‌رفت با وقوع انقلاب در مصر و برکناری رژیم مبارک از یک‌سو و روی‌کار آمدن اخوان المسلمین با گرایش‌های اسلامی از سوی دیگر، روابط دو کشور ایران و مصر پس از سی سال بهبودیابد. اگرچه مقام‌های سیاسی دو کشور، سفرهایی به کشورهای همدیگر داشتند، این دیدارها نتوانست روابط سیاسی میان دو طرف را به نقطه مورد انتظار برساند. شکاف عقیدتی میان شیعه و سنی، نقش غرب و آمریکا در این مسئله، سلفی‌گری و عقاید ضد شیعه و ضد ایرانی در زمره عوامل تأثیرگذار بر عدم بهبود روابط دو کشور بودند. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و با داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده‌است.

واژگان کلیدی: ایران، مصر، شیعه، سنی، بیداری اسلامی، بهار عربی، خاورمیانه.

۱* . استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان. (نویسنده مسئول: Hamid.nassaj@gmail.com)

۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان.

۳ . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

مقدمه

انقلاب ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن ۱۳۸۹) در مصر را باید مهم‌ترین پدیده بیداری در منطقه خاورمیانه دانست. از تبعات انقلاب مصر در مدت هجده روز، ۸۵۰ شهید و ۶۵۰۰ زخمی برجای ماندند که گوشه‌ای کوچک از واقعیت سقوط رژیم مبارک را نشان می‌دهند (whba, ۲۰۱۱:۱). انتظار می‌رفت با وقوع انقلاب در مصر و برکناری رژیم مبارک از یک سو و روی کار آمدن اخوان المسلمین با گرایش‌های اسلامی از سوی دیگر، روابط دو کشور ایران و مصر پس از سی سال بهبود یابد؛ همچنین تأثیر پذیری تحولات اخیر منطقه از انقلاب ایران بر کسی پوشیده نیست (حاذق نیکرو، ۳۵:۱۳۹۱) اما چرا با وجود این تأثیرها، روابط سیاسی دو کشور به نقطه مورد انتظار نرسید و با سقوط اخوان المسلمین، این امید بسیار کم‌رنگ‌تر شد. در این مقاله سعی شده است عوامل تأثیرگذار بر این امر بررسی شوند. فرضیه اصلی مقاله، آن است که شکاف عقیدتی شیعه و سنی، یکی از دلایل اصلی عدم بهبود روابط سیاسی در سطح عالی میان دو کشور ایران و مصر بوده است. این مقاله به بررسی روابط سیاسی دو کشور استراتژیک جهان اسلام، ایران (شیعی) و مصر (سنی) می‌پردازد. ابتدا به پیشینه روابط ایران و مصر اشاره شده و در ادامه به شیعه و سایر فرق مذهبی در مصر، طرح هلال شیعی، سلفی‌گری و نقش آن در تداوم این شکاف، ایجاد تفرقه میان مسلمانان، تأثیر انقلاب ایران بر تحول‌های منطقه و جنبش اخوان المسلمین در رأس حکومت مصر پرداخته شده است؛ البته طبیعی است که پدیده‌های اجتماعی هیچ‌گاه تک‌عاملی نیستند و مجموعه‌ای از عوامل مختلف، رخ دادن یک پدیده را ممکن می‌سازند. شکاف عقیدتی میان شیعه و سنی، نقش غرب و آمریکا در این مسئله، سلفی‌گری و عقاید ضد شیعه و ضد ایرانی در زمره عوامل تأثیرگذار بر عدم بهبود روابط دو کشور بوده‌اند اما در این مقاله، عمده تمرکز بر نخستین مورد خواهد بود.

الف - تمهیدات نظری

شیعه و سنی دو فرقه مهم اسلامی هستند که با وجود افتراق‌ها، نکات اشتراک زیادی با هم دارند؛ این دو فرقه در اعتقاد به خدا، معاد، نبوت، قرآن و مسائل فرعی روزه، نماز، حج و زکات، امر به معروف و نهی از منکر و همچنین ضرورت احتراز از محرّمات الهی اشتراک نظر دارند؛ اما تفاوت عمده میان شیعه و سنی در مسئله جانشینی پیامبر (ص) است که شیعه برای جانشینی آن حضرت، شرایطی

از قبیل عصمت و علم لدنی را لازم می‌داند لذا تعیین جانشینی به انتصاب از جانب خداوند است نه انتخاب مردم؛ اما اهل سنت معتقدند که پس از رحلت پیامبر (ص) همان‌طوری که وحی قطع شد در تمامی امور نیز آنچه از طرف رسول اکرم به دست ما رسیده، کافی است و پس از رحلت پیامبر (ص)، موضوع جانشینی ایشان به مردم واگذار شده است. دانش سیاسی سنی، اطاعت از اولی الامر قریشی را مانند اطاعت خدا و رسول واجب کرده، حاکمی که نیابت خلیفه را به دست می‌آورد، خود را نایب رسول الله و ظل الله فی الارض معرفی می‌کرد (فیرحی، ۱۳۷۸: ۲۶۴). تفاوت عمده اهل سنت و جماعت با شیعه اسماعیلیه و اثنی عشریه در فقه سیاسی آن است که شیعه، شرط خلافت و امامت را تنزیص و عصمت می‌داند، در حالی که اهل سنت، از لحاظ نظری و عملی، اقوالشان در باب مشروعیت خلافت خلفا و حکومت حکام و سلاطین، بسیار مضطرب و مشتت است (نخعی، ۱۳۶۷: ۱۲۲). این اختلاف نظر در مسئله بالا باعث شکاف در جهان واحد اسلامی از زمان پیامبر شده و تا به امروز، سبب بروز شکاف‌های تاریخی، فرهنگی، فقهی و سیاسی شده است. جهان اسلام امروزه با پدیده خیزش و بیداری منطقه روبه‌روست که می‌تواند ظرفیت و فرصتی برای شکل‌گیری روابط همه‌جانبه کشورهای اسلامی ایجاد کند.

این در حالی است که مسئله وحدت و انسجام امت اسلامی، یک ارزش و یک طرح بنیادی و حیاتی برای حفظ هویت و پیشرفت جوامع اسلامی است که مورد تأیید متون دینی و پیشوایان دینی نیز قرار دارد. قرآن کریم از تألیف قلوب و ایجاد برادری میان مسلمانان به عنوان نعمت الهی یاد کرده است (آل عمران، ۱۰۳). به‌رغم تأکیدهای مکرر و ارزش وحدت اسلامی و همچنین عمر طولانی فعالیت‌هایی در این زمینه، همواره موانع و مشکلاتی در راه تحقق این هدف وجود داشته‌اند. با نگاهی به تاریخ اسلام مشاهده می‌شود که همواره کسانی با انگیزه‌های نکوهیده مانع‌هایی در راه وحدت اسلامی ایجاد کرده‌اند. افزایش درگیری‌های فرقه‌ای در جهان اسلام و زیان‌های متأثر از این تفرقه‌ها، بسیاری از نخبگان جوامع اسلامی را بر آن داشته تا راهکارهایی واقع‌بینانه برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی پیدا کنند؛ یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی در این حوزه، اندیشه تقریب مذاهب و وحدت امت اسلام بوده است (حیدری، ۱۳۸۸: ۲). قدر مسلم اینکه هرگونه تلاشی برای به‌ثمرنشدن چنین راه‌حلی، متضمن پذیرفتن طرف مقابل و گشودگی در برابر «دیگری» است و مشاهده می‌کنیم که در طول تاریخ چه در میان شیعیان و چه در میان اهل سنت، کسانی بوده‌اند که

از اساس، طرف مقابل را به عنوان هم‌کیش و مسلمان به رسمیت نمی‌شناسند. از نگاه این مقاله، مبنای نظری و بستر عینی عملی برای تحلیل تحول‌های منطقه بایستی بر واقعیت شکاف شیعه و سنی و آرمان وحدت این دو استوار شود. تعامل دوسویه واقعیت و آرمان در تحلیل تحول‌های منطقه، ضروری است. بی‌توجهی به واقعیت عینی و تمرکز صرف بر آرمان وحدت‌گرایی، سبب غفلت از درون‌مایه اصلی تحول‌ها شده، تحلیل اشتباه در باب سیر رخدادها را به دنبال خواهد داشت و بی‌توجهی به آرمان و تمرکز صرف بر واقعیت نیز اصل تلاش برای بهبود و اصلاح امور را عبث و بیهوده خواهد داشت. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی و با داده‌های کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ب - پیشینه روابط ایران و مصر

دو کشور ایران و مصر از زمان باستان تاکنون همواره جزو کشورهای مهم و تأثیرگذار منطقه به حساب می‌آمده‌اند؛ اما به نظرمی‌رسد تغییرهای سیاسی و عقیدتی میان ایران و مصر از دیرباز، متضاد و مخالف با یکدیگر پیش‌رفته‌اند. در زمان خلفای فاطمی در مصر، پادشاهان به‌طور عمده، سنی‌مذهب بر ایران حکومت کرده‌اند. اساسی‌ترین تغییر عقیدتی متضاد در دو کشور، هنگامی است که مصر به عنوان پایگاه حرکت شیعه فاطمی تغییر عقیده داده، مذهب اهل سنت را پس از سقوط فاطمیان و استقرار حکومت ایوبی می‌پذیرد و در مقابل، ایران با به قدرت رسیدن دولت صفویه، مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور برمی‌گزیند (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۹).

روند متضاد تاریخ دو کشور تا زمان حال نیز امتداد یافته است. زمانی که جمال عبدالناصر سیاست‌های سوسیالیستی و انقلابی و مبارزه با امپریالیسم را مدنظر قرار می‌دهد، در ایران، نظامی غیرانقلابی و متمایل به غرب و با اقتصاد آزاد روی کار می‌آید و هنگامی که در ایران نظام سلطنتی فرومی‌پاشد و مبارزه با امپریالیسم و استکبار، جای آن را می‌گیرد، در مصر از اندیشه‌های انقلابی ناصر، خبری نیست و مصر به رهبری *انور سادات* به یک نظام متمایل به غرب و به اقتصاد بازار آزاد تبدیل می‌شود. روابط ایران و مصر به عنوان دو کشور استراتژیک منطقه خاورمیانه در دهه‌های اخیر، متأثر از عوامل متعدد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است؛ عوامل یادشده در برخی مواقع موجب گسترش روابط میان دو کشور و در مواقع دیگر به افول روابط انجامیده است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۸). ایران و مصر در دو سوی منطقه خاورمیانه دو کشور مهم

محسوب می‌شوند. نقش ایران در خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و نقش مصر در جهان عرب و شمال آفریقا موجب جایگاه خاص این دو کشور شده‌است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۹). از لحاظ جغرافیایی، دو گذرگاه استراتژیک خاورمیانه یعنی تنگه هرمز در خلیج فارس و کانال سوئز که رابطه دریای سرخ و دریای مدیترانه را برقرار می‌کند، در قلمرو هریک از این دو کشور قرار دارند و این خود مزیتی مهم برای این دو کشور به حساب می‌آید که در عین حال، تجاوز بیگانگان را برای تسلط بر این دو گذرگاه دریای استراتژیک، طی قرن اخیر دامن زده‌است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۵).

دور جدید روابط ایران و مصر در سال ۱۹۲۲ با پایان گرفتن تحت‌الحمایگی انگلیس در مصر و استقلال این کشور و شناسایی مصر توسط ایران آغاز شد. در سال ۱۹۳۸ ازدواج محمدرضا با فوزی‌به، موجب افزایش روابط دو کشور شد. در ماجرای ملی کردن نفت ایران و ملی کردن کانال سوئز در دهه ۱۹۵۰ دو کشور به مبارزه با انگلیس وارد شدند که نزدیکی بیشتر دو کشور را سبب شد. جمال عبدالناصر به دنبال خودداری آمریکا از اعطای وام به مصر برای ساختن سد عالی اسوان، در چهارم مرداد ۱۳۳۵ (۱۹۵۶)، کانال سوئز را ملی اعلام کرد و پس از این اقدام، خود را پیرو مکتب مصدق و ادامه‌دهنده راه او نامید (مهدوی، ۱۳۷۴: ۲۴۳)؛ اما کودتا ضد دکتر مصدق و سقوط دولت او و روی کار آمدن دولت طرف‌دار غرب در ایران، موجب تیرگی روابط دو کشور شد. دشمنی ایران و مصر که ابتدا در حوزه اختلاف‌های میان دو کشور بود، به تدریج صورت تقابل ناسیونالیسم ایران و عرب به خود گرفت.

از جمله اقدام‌هایی که مصر در این راستا انجام داد، طرح مسئله خوزستان به عنوان عربستان ایران، تغییر اسم خلیج فارس و تشبیه اقدام‌های ایران در منطقه خلیج فارس به سیاست صهیونیست‌ها برای اشغال فلسطین بود. شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷ از یک سو و تضعیف جمال عبدالناصر از سوی دیگر و همچنین موضع‌گیری ایران در حمایت از اعراب، موجب بهبود روابط دو کشور شد. ایران تمایل داشت نقش ژاندارم منطقه را ایفا کند و برای رسیدن به این هدف به جلب کشورهای عربی برای پیشبرد برنامه‌های خود نیاز داشت و در ۱۹۷۰، روابط ایران و مصر گسترش یافت. درگذشت ناصر و روی کار آمدن *انور سادات* که مواضعی مشابه با ایران داشت و سیاست خارجی جدید مصر مبنی بر نزدیکی بیشتر با آمریکا به خصوص پس از جنگ ۱۹۷۳ به توسعه روابط ایران و مصر کمک کرد؛ پیش از انقلاب اسلامی ایران، همکاری اقتصادی ایران و مصر از یک طرف و دیدگاه‌های

مشترک دو کشور در قبال اسرائیل از جمله مواردی بودند که عامل پیوند روابط دو کشور به شمار می‌رفتند (بروجردی، ۱۳۷۵: ۱۵۱).

ایران و مصر، ایدئولوژی ناسیونالیسم را پیش از انقلاب خود تجربه کرده‌اند، مصر ناسیونالیسم، ناصر و ایران ناسیونالیسم، رضاخان را به کار گرفتند که نتایج این ایدئولوژی پس از مرگ ناصر و رضاخان، روی کار آمدن دولتی وابسته به غرب بوده است (نورانی، ۱۳۹۱). در هر دو کشور به دلیل عدم مطابقت ایدئولوژی‌های ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرالیسم با فرهنگ عمومی مردم، زمینه نارضایتی فراهم می‌شود و با وقوع انقلاب‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۱۱، ضمن سقوط رژیم‌های وابسته در این کشورها، حکومتی که نیازها، توسعه و پیشرفت را در ارزش‌های اسلامی جستجو می‌کند، بر سر کار می‌آید.

ایران پیش از انقلاب، یکی از حامیان اصلی انعقاد قرارداد صلح مصر و اسرائیل بود، اما پس از انقلاب، مصر را به دلیل انعقاد این قرارداد و از بین بردن قبح روابط با اسرائیل و ایجاد شکاف در جهان اسلام محکوم کرد و همین دیدگاه به قطع روابط کشور در ماه می ۱۹۷۹ منجر شد. انقلاب ایران که مخالف اسرائیل، طرف‌دار آرمان فلسطینی‌ها و خواستار مواجهه با شیوه‌های برتری‌جویانه غرب در منطقه بود، به دلیل اختلاف ایدئولوژیکی دو کشور، مورد استقبال دولت مصر قرار نگرفت. پس از امضای پیمان کمپ دیوید و پیروزی انقلاب اسلامی، دولت مصر به جای اسرائیل، کشورهایمانند سودان، لیبی و ایران را به عنوان تهدیدهای امنیتی معرفی کرد؛ این تغییر دیدگاه مصر در حمایت از عراق در جنگ ضد ایران تجلی یافت. میزبانی مصر از شاه ایران در اواخر عمر وی و به‌طور متقابل، اظهار خرسندی ایران از ترور بانی کمپ دیوید، توسط اسلام‌گرایان و نام‌گذاری یکی از خیابان‌های تهران به اسم قاتل وی، موجب تنش میان دو کشور شد. آزادی اسرای مصری با وساطت علمای مصر از یک سو و پایان جنگ دوم خلیج فارس، آزادسازی کویت و دگرگون شدن نقشه سیاسی خاورمیانه از سوی دیگر، زمینه‌ساز نزدیکی تهران و قاهره شدند که در این دوران، شاهد بازگشایی دفتر حفاظت از منافع دو کشور در تهران و قاهره در سال ۱۳۷۰ هستیم؛ با این حال به نظر می‌رسد بهبود روابط سیاسی ایران و مصر، بیشتر به صورت مقطعی بوده و استمرار نیافته است (بروجردی، ۱۳۷۵: ۱۵۲).

بر اثر انقلاب اسلامی در ایران، حکومتی شکل گرفت که متکی بر عقاید شیعه و فقه قابل‌انعطاف است که به عالمان دینی اجازه می‌دهد، با امور مستحدثه تعامل داشته باشند و در سیاست‌ها

تجدیدنظرکنند؛ بی تردید، موافقت ایران با توقف جنگ با عراق، مرحله‌ای تازه از انقلاب اسلامی و دوری جدید از سیاست‌های کشور بود که با گذشته تفاوت داشت (الشرقاوی، ۱۳۷۹: ۱۱۱). دو کشور ایران و مصر از لحاظ فرهنگی و سیاسی از یکدیگر تأثیرپذیرفته و بر همدیگر تأثیر گذاشته‌اند. انقلاب اسلامی، نقطه عطفی در حیات سیاسی ایران است که تأثیری زیاد بر کشورهای منطقه داشته‌است. انقلاب ایران، تأثیری تقویت‌کننده و شتاب‌دهنده بر جنبش‌های اسلامی موجود در مصر به‌جای گذاشت. انجمن جماعت الاسلامیه مصر در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیانیه‌ای ستایش‌آمیز در تأیید انقلاب صادر کرد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۵۶). جمهوری اسلامی ایران، پس از انقلاب اسلامی، گفتمانی ویژه را در سطح جهان و به‌ویژه در خاورمیانه ایجاد کرد که مبتنی بر سه محور اسلام‌گرایی، استقلال‌گرایی و وحدت‌گرایی است (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

تأثیر متقابل اخوان المسلمین مصر بر مبارزان فدائیان اسلام ایران، تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی مصر، حضور رئیس‌جمهور مصر در تهران و همچنین سفر رئیس‌جمهور ایران در بهمن ماه ۱۳۹۱ و برافراشته‌شدن پرچم ایران پس از سی سال در این کشور، نشان‌دهنده این واقعیت است که نقاط مشترک زیادی برای از سرگیری روابط مستمر دو کشور وجود دارند؛ اگر به این نقاط مشترک اسلام‌گرایی، مسئله فلسطین و مشترک‌های فرهنگی دو کشور را بیفزاییم، ارزش فرصت را بیشتر درک خواهیم کرد. اتحاد دو کشور با توجه به موقعیت طبیعی آنها و نقش بی‌بدیل مصر در جهان عرب و شمال آفریقا و همچنین نقش ایران در خلیج فارس و آسیای میانه و قفقاز، مزیت‌هایی بسیار برای هر دو کشور و جهان اسلام خواهد داشت و از طرف دیگر، دست استکبار را از طمع‌ورزی‌ها از یک سو و تهدیدهای امنیتی در منطقه از سوی دیگر قطع می‌کند. برخی از ویژگی‌های مشترک دو کشور ایران و مصر که شکل‌گیری این اتحاد را تسهیل می‌کند، عبارت‌است از: تاریخ کهن تمدنی ایران و مصر، واقع‌شدن در منطقه خاورمیانه، بهره‌مندی از موقعیت استراتژیک، تجربه گذار از دوران سنت به مدرنیته، سابقه مبارزات ضداستعماری، توان تأثیرگذاری فرا منطقه‌ای، عضویت در گروه کشورهای جهان سوم، کشورهای در حال توسعه گروه ۸، گروه ۱۵، گروه ۱۷، جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی.

از آنجاکه ایدئولوژی انقلاب اسلامی براساس آموزه‌های دینی و اسلامی شکل گرفته و با توجه قدرت‌یافتن اسلام‌گرایان در کشورهای منطقه انتظار می‌رفت، ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران در منطقه

گسترش یابد (قربانی شیخ نشین، ۱۳۹۱: ۸۳)؛ اما آن گونه که انتظار می رفت، روابط میان ایران و مصر برقرار نشد و با موانعی بسیار روبه رو شده که رسیدن به جایگاه مطلوب مدنظر را با مشکل مواجه کرده است؛ برای بررسی دلایل این امر و واکاوی چرایی این رخداد ابتدا به آشنایی با فرق و مذاهب مصر نیازمندیم.

ج- مناسبات شیعه و سنی

۱- فرق اسلامی در مصر

مصر پس از نیجریه، پرجمعیت ترین کشور مسلمان آفریقایی است و همچنین بیشترین جمعیت را در خاورمیانه داراست و تعداد مسلمانان آن از ۵۵ میلیون نفر تجاوز می کند. مصر، دارای جمعیتی جوان است که ۳۲ درصد جمعیت آن زیر ۱۵ سال هستند که این آمار، زمینه ای مناسب برای رشد اقتصادی دارد (Kinninmont, 2012, 3)؛ البته در برخی منابع دیگر، جمعیت کشور مصر را ۸۵ میلیون نفر و درصد مسلمانان این کشور را ۸۰ تا ۹۰ درصد آورده اند. نکته مهم، اینکه اسلام نقش محوری در متن زندگی مردم مصر ایفا می کند و هر قانون جدید دست کم باید با قوانین اسلام مطابقت داشته باشد. مصر کشوری است که بیشتر آن را مسلمانان سنی تشکیل داده اند و از آمار دقیق فرقه های موجود در آن، آمارهایی مختلف ارائه شده است. ۹۰ درصد مردم کشور مصر، مسلمان و از شاخه شافعی اهل سنت هستند؛ ۵ درصد مردم این کشور مسیحی اند و اقلیتی شیعه هم در آن زندگی می کنند. قاهره به دلیل مناره های متعدد آن معروف است و شهر هزارمناره لقب گرفته است (بهجت ۲۰۱۳). شیعیان مصر در این کشور به صورت پراکنده زندگی می کنند و بیشتر آنان در شهرهای جنوبی مصر از قبیل اسوان، ارفو، اسنا و آرمنت، ساکن هستند. از نگاه تاریخی، مرحله اساسی رشد و گسترش مذهب شیعه در مصر به دوران فاطمیان (از ۹۶۹ تا ۱۱۷۱) میلادی برمی گردد که نقشی بسیار مهم و اساسی در این زمینه ایفا کردند و با بیش از دو بیست سال حکومت در مصر آثاری فراوان از تشیع برجای گذاشتند (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). بنای شهر قاهره و جامع الازهر که دولت فاطمیان، آن را بنانهادند، بیانگر آن دوران است.

شیعیان، پس از ارتدوکس ها، سومین رتبه را از نظر جمعیت در مصر دارند. مذهب شیعه در کشور مصر دارای سابقه تاریخی و طولانی است. در مصر تعصب مذهبی و عناد نسبت به تشیع مانند

وهابیون وجود ندارد. وجود سه حرم متبرک در قاهره، یعنی مقام رأس الحسین (ع)، مرقد حضرت زینب (س) و مرقد سیده نفیسه از عوامل اصلی محبت مردم مصر نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) هستند و همین محبت اهل بیت می‌تواند فصل مشترک روابط مسلمانان ایران و مصر باشد (پاک‌آیین، ۱۳۸۸: ۱۱). با ظهور ایوبیان، سرزمین مصر به عرصه عقیدتی و نظام سیاسی جدیدی وارد شد و خاندان ایوبی با مذهب تسنن، جای خاندان فاطمی با مذهب تشیع را گرفت.

در مصر جدید، تلاش‌هایی برای همگرایی اهل سنت و شیعیان آغاز شد. دعوت تقریب در سال ۱۹۴۶ در مصر فعالیت خود را آغاز و گروه اخوان المسلمین به رهبری حسن البنا از این دعوت پشتیبانی کرد. از جمله رجال الازهر که در تشکیل دعوت تقریب سهیم بودند، می‌توان به شیخ محمد شلتوت، شیخ عبدالمجید و شیخ محمد مدنی، مدیر کل جماعت تقریب میان مذاهب اسلامی اشاره کرد؛ از جمله علمای شیعه که در این جماعت شرکت داشتند، شیخ محمد تقی قمی، رئیس و مسئول دعوت در مصر از ایران، شیخ محمد جواد معنی از لبنان و کاشف الغطا در عراق را می‌توان نام برد (وردانی، ۱۳۸۲).

در نیمه دهه ۴۰ (قرن بیستم)، نهضت شیعه در مصر به وسیله جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی آشکار شد و تا دهه ۷۰ ادامه یافت. در دهه ۷۰، جمعیت آل البیت تشکیل شد که گرچه در آغاز، زمینه فعالیتش مساعد بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اوضاع دگرگون شد. دولت مصر نسبت به ایران، موضعی خصمانه گرفت و به دنبال آن، دستور توقیف جمعیت یادشده صادر شد. در دهه ۸۰ با وجود همه تلاش‌هایی که برای جلوگیری از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جامعه مصر انجام شد، آثار آن بر وضع اسلامی این کشور انعکاس یافت و با وجود محاصره شدید تبلیغاتی، شیعه جایگاه خود را میان دیگر گروه‌های اسلامی فعال پیدا کرد. دارالبدایه، نخستین مؤسسه انتشاراتی شیعه بود که در مصر، فعالیت خود را آغاز کرد و پس از آن برای استمرار تبلیغات شیعه ضد مخالفان آن، دارالهدف تأسیس شد. صالح وردانی (۱۳۸۲)، جدای از نقش بیگانگان ضد شیعه، انگیزه‌های درونی چهارگانه ضد شیعیان مصر را چنین برمی‌شمارد:

- انگیزه‌های اعتقادی گروه سلفی وهابی که با اعتقاد به گمراهی و انحراف تشیع، نسبت به این مذهب، موضعی خصمانه دارد.
- انگیزه‌های اصلاح‌گری گروه اخوان المسلمین که در آغاز از موافقان انقلاب ایران بود اما پس از

- مدتی زیر فشار سعودی‌ها و حکومت مصر و نیز شبهه‌انگیزی درباره دوستی و روابط ایران با سوریه، زیر فشار قرار گرفت و به دشمن ایران و شیعه تبدیل شد.
- انگیزه‌های شخصی قلم‌به‌دستان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران گروه‌های مختلف اسلامی و علمی که برای گذران زندگی خود، ضد شیعه و ایران به قلم‌فرسایی پرداختند.
- انگیزه سیاسی که محرک آن، حکومت مصر بوده، با سعودی ضد ایران همدست است و پیوسته در صدد جلب دوستی آمریکایی‌ها و صهیونیست‌هاست.

۱-۱- **اخوان المسلمین؛ تأثیرگذارترین گروه اسلام‌گرا:** اخوان المسلمین بزرگ‌ترین گروه مذهبی مبارز در مصر است که می‌توان آن را نماینده جنبش‌های سنی مذهب در این کشور دانست؛ این گروه دارای شاخه‌هایی در کشورهای مختلف عربی است. اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ به‌وسیله حسن البنا در اسکندریه مصر تشکیل شد؛ این جنبش را می‌توان مادر جنبش‌های سیاسی اسلامی معاصر برشمرد. حرکت اجتماعی تبلیغی اخوان المسلمین با وجود ابهام در برخی از مؤلفه‌های سیاسی‌اش توانست بر کل جهان عرب اثر بگذارد و اگر انقلاب اسلامی ایران را نماینده جنبش شیعی بدانیم هر دو جنبش احیاکننده حرکت‌های اسلامی هستند؛ بنابراین پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر این جنبش هم مانند دیگر جنبش‌ها بدون تأثیر نبود و باعث ایجاد تحرک‌هایی در این جنبش شد که به‌طور تقریبی یک دهه به حالت سکوت درآمده بود و به یک حزب پارلمانی و دولتی تبدیل شده بود.

اخوان المسلمین در طول تاریخ شکل‌گیری‌اش جنبشی وحدت‌گرا در جهان اسلام محسوب می‌شود و تلاش در راه وحدت جهان اسلام را همواره از اصول فکری خویش قرار داده است. از نظر اخوان، سرزمین اسلامی، سرزمین واحد و تجزیه‌ناپذیر است و تجاوز به هر بخشی از این سرزمین، تجاوز به کل آن محسوب می‌شود؛ دیگر وجوه مشترک میان اخوان با جنبش ایرانی شیعی سال ۱۳۵۷، پیوند دین با سیاست مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، ایجاد حکومت دینی و مقبولیت مردمی آن، قانون‌گذاری الهی و ضدیت با استعمار بوده، برخلاف جنبش‌های وهابی، حامی حضور زنان در عرصه اجتماع هستند (فوزی، ۱۳۹۱: ۷۵). محوریت اساسی در ایجاد ارتباط قدیمی و طولانی اخوان از زمان نواب صفوی با ایران به دلیل عدم ورود اخوان به مناقشات فرقه‌ای و مخاصمات مذهبی با رویکرد وحدت‌گرایانه است که عامل ارتباط ایران و اخوان از دیرباز شده است (سلطان‌شاهی، ۱۳۹۱).

اولین واکنش‌ها نسبت به انقلاب اسلامی به‌وسیله جماعت اخوان صورت گرفت؛ این جماعت، طی

اعلامیه‌ای در سال ۱۹۷۹، انقلاب اسلامی ایران را ستایش و تأیید کرده، اعلام کردند روحی که پشت انقلاب اسلامی بوده است، شبیه همان روحی بود که مسلمانان اولیه را به اسلام دعوت کرد؛ همچنین اعلام کردند که هیچ جدایی میان دین و سیاست در اسلام وجود ندارد و اسلام، دینی جامع است که برای این جهان و جهان دیگر قانون دارد و همه امور زندگی را سامان می‌بخشد.

فشارهای وارد شده از طرف دولت مصر، موجب شد که گروه جماعت المسلمین پس از انقلاب اسلامی ایران به فعالیت‌های زیرزمینی رو آورد؛ این جماعت، ضمن الگوقراردادن انقلاب اسلامی ایران، تغییرهایی در راهکارهای خود ایجاد کرده، خواهان ایجاد خیزش‌های مردمی در دانشگاه‌ها و خیابان‌ها شدند؛ لیکن نقطه ضعف این گروه، آن بود که نتوانست توده‌های مردمی را با خود همراه کند و در عمل، ناکام ماند؛ امام خمینی (ره) در پیامی در فروردین ۱۳۵۸ خطاب به ملت‌های مصر و ایران، خواستار قیام مردم مصر ضد حکومت سادات شده‌اند؛ در این پیام، خطاب به ملت مصر آمده است که باید برای برقراری حکومت اسلامی برپای خیزند و سادات را از کشور خود بیرون برانند؛ این اولین موضع کلیدی رسمی دولت انقلابی ایران بود که در آن به صراحت، سرنگونی حکومت سادات را خواسته بود. از دیگر جنبش‌ها و گروه‌های مصری که از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته، الیسار الاسلام یا چپ اسلامی است؛ این گروه مانند الجهاد جزو گروه‌های مبارز رادیکال به‌شمار می‌رود. این گروه علاوه بر ستایش انقلاب اسلامی ایران، روحیه مبارزه‌جویی در مذهب شیعه را نیز مورد ستایش قرار داده، یکی از علل قیام ایران را وجود اندیشه، عقل و اجتهاد در مذهب تشیع است که باعث پویایی مذهب در جامعه می‌شود؛ این گروه، پیش از هر چیز شیفته نقش افکار شیعه در انقلاب اسلامی ایران بود و در همین راستا، تعدادی از کتب امام خمینی (ره) و دکتر شریعتی را به عربی ترجمه و منتشر کردند (صیفوری، ۱۳۸۷: ۲۷۷).

نکته قابل توجه، این است که هم جنبش اخوان المسلمین مصر و هم جنبش ایران شیعی در بستری از بحران‌های داخلی که با نیروهای خارجی ارتباط داشتند، به وجود آمدند؛ به عبارتی دیگر، وجه مشترک هر دو در روند شکل‌گیری آنها وجود بحران‌های داخلی اعم از عدم مشروعیت رژیم سیاسی، وجود تبعیض‌های سیاسی و اقتصادی و بی‌توجهی نظام‌های سیاسی آنها به اسلام و فرهنگ اسلامی مردمشان بود (فوزی، ۱۳۹۱: ۷۵). دولت‌های حاکم بر مصر و رژیم پهلوی در ایران، در چند بحران مشابه نظیر بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران اخلاقی و بحران اقتصادی دست‌وپامی زدند که آنها را

و اداری کرد برای جلوگیری از فروپاشی خود به سرکوب ملت‌هایشان پردازند (سلیمی، ۱۳۹۱: ۵).

جنبش اخوان المسلمین یکی از مهم‌ترین بازیگران اصلی صحنه قیام‌های اخیر در همه کشورهای عربی (به جز بحرین) است که تشکلی مستحکم و دارای گستردگی بسیار است. گرچه پایه فکری و شعار ایدئولوژیک این جنبش «اسلام تنها راه حل» است جنبشی عمل‌گرا هم هست. تاکنون آمریکا سعی داشت با احزاب دینی و اسلامی در خاورمیانه هیچ‌گونه ارتباطی نداشته باشد اما به دلیل قدرت و ظرفیت اخوان المسلمین و توان آن در بخشی مهم از آرای انتخاباتی کشورهای منطقه به‌ویژه در مصر، تونس، مغرب و واشینگتن تصمیم گرفته‌است با جریان اخوان به گفتگو وارد شود (رویوران، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

اخوان المسلمین در حوادث و تحولات مصر، بیشتر با رویکرد دموکراتیک ظاهر شد، تغییر رویه اخوان از اسلام انقلابی و انقلابی‌گری به سمت رویکردهای دموکراتیک، می‌تواند نظریه بیداری اسلامی را به‌چالش کشاند و تبیین حرکت مصر در موج دموکراسی‌خواهی مدنظر صاحب‌نظران آمریکایی را تأیید کند؛ تحلیل اخوانی‌ها این بود که آمریکایی‌ها می‌کوشند با قانع کردن مبارک، او را به ترک قدرت وادار کرده، بعد از آن به‌احتمال، الگویی شبیه به ترکیه شکل گیرد و با حفظ ساختار ارتش، از آمدن اخوان یا از رادیکال‌شدن جنبش جلوگیری شود؛ ضمن اینکه نباید فراموش کرد که آمریکا با کمک‌های میلیاردی آن به مصر به دلیل نقش این کشور در تأمین امنیت اسرائیل در صدد کنترل این انقلاب و جلوگیری از تکرار انقلاب ایران در این کشور است. به‌نظر می‌رسد که اخوان المسلمین، جنبشی است که وجه انقلابی مانند انقلاب اسلامی ایران ندارد و لذا نمی‌تواند پای‌به‌پای انقلاب اسلامی ایران در برابر استکبار جهانی و تعدیات آن در کنار ایران حرکت کند. تجربه پیشین روابط ایران و جنبش‌های اسلامی مصر نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که مسئولان و دست‌اندرکاران سیاست خارجی، بایستی تفاوت‌های میان کشورها و دولت‌ها را در نظر گرفته، انتظارات خود را از این جنبش‌ها در حد امکانات و مقتضیات جامعه مصر متعادل کنند؛ در هر صورت، عدم متعادل‌ساختن این انتظارات و تفاوت رویکرد اخوان المسلمین و ایران در تعامل با غرب، یکی از عوامل مهم در عدم بهبود روابط ایران و مصر جدید بود.

۲- طرح هلال شیعه: زمینه سیاسی تشدید اختلاف‌های شیعه و سنی

در دهه‌های اخیر، خاورمیانه، شاهد رشد و گاه افراطی‌شدن تمایل‌های مذهبی چه در میان

مسلمانان و چه در میان غیرمسلمانان بوده است. احیای دینی در اسلام هم جلوه مسالمت‌آمیز داشته، هم جلوه خشونت‌آمیز و در میان شیعیان و سنی‌ها به صورت‌هایی متفاوت نمود پیدا کرده است. تحول‌های منتج از انقلاب اسلامی ایران، موجب قدرتمندتر شدن شیعیان در دنیای عرب شده و مکتب شیعه را به سمت فعالیت‌های سیاسی سوق داده که تا به امروز نیز ادامه داشته است. تمام جوامع شیعه در رویارویی با حکومت‌های خود تا اندازه‌ای از تبعیض‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رنج برده‌اند؛ با این اوصاف، در هر مورد، عوامل مؤثر دیگری هم بوده‌اند که بر روابط میان شیعیان و حکومت‌های میان آنها تأثیرگذار بوده است (نکاست، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

به نظر می‌رسد موقعیت شیعیان جهان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ بهبودیافت و به دنبال حمله نظامی آمریکا به عراق و جنگ ۳۳ روزه میان اسرائیل و حزب الله، موضوع شیعه در متن مسائل منطقه‌ای و جهانی قرار گرفت. برخی معتقدند با ایجاد هلالی شیعی به مرکزیت ایران که دارای اکثریت شیعه در جهان است، همراه با سایر شیعیان عراق، لبنان، بحرین و سایر شیعیان منطقه منافع کشورهای سنی‌مذهب را در آینده مورد تهدید قرار خواهد داد.



شکل ۱-

ملک عبدالله، پادشاه اردن، این طرح را مطرح کرد و مورد استقبال کشورهای ایالات متحده، بریتانیا،

اسرائیل، مصر و عربستان سعودی قرارگرفت؛ هدف از چنین طرحی مقابله با قدرت سیاست خارجی ایران درخصوص محوریت بلامنازع در جهان شیعه است. به گفته مجتهدزاده، هدف آشکار این طرح، معرفی یک هلال ژئوپلیتیک است که از ایران به رهبری ایرانیان آغازمی‌شود، عراق و سوریه را شامل شده، به حزب الله لبنان و حماس در فلسطین ختم می‌شود؛ این مجموعه ژئوپلیتیک که هلال‌مانند است و به گفته عموی ملک عبدالله، پادشاه اردن، بزرگ‌ترین منابع سوخت فسیلی جهان ازخلیج فارس تا دریای خزر را دراختیاردارد و می‌خواهد با گسترش عملیات تروریستی (منظور عملیات نظامی حماس و حزب الله) بر جهان اسلام برتری‌یابد و اسرائیل را نابودگرداند (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۴۳).

پس از طرح هلال، بسیاری از صاحب‌نظران عربی و غربی آن را با آب و تاب فراوان بررسی کردند. پی‌اسکوبار در نوشته‌ای با موضوع «هلال شیعه در خاورمیانه» مدعی می‌شود: قدرت گرفتن شیعیان در خاورمیانه دست‌کم از دیدگاه سنی‌ها به‌خصوص وهابی‌ها و نیز گروهی از اندیشمندان محافظه‌کار آمریکایی به کابوسی تبدیل شده‌است. هلال شیعی در حال گسترش از لبنان تا خراسان، بین‌النهرین، خلیج فارس و فلات ایران است؛ اما از دیدگاه کشورهای سنی‌نشین مانند عربستان سعودی، اردن و کویت، موضوع از این فرمول ساده پیچیده‌تر است، زیرا تهران متحدانش را در بغداد، دمشق و بیروت در کنترل دارد. ۷۰ درصد از ذخایر نفت جهان در منطقه خلیج فارس است که ۷۰ درصد جمعیت آن را شیعیان تشکیل داده‌اند. تاریخ انقلابی تشیع می‌تواند موجب وحشت اسلام غالب سنی شود. بیش از هزار سال است که با اعمال محرومیت‌های سیاسی و به‌حاشیه‌راندن شیعیان، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، مانند جهان چهارمی با آنان برخوردشده‌است؛ اما شیعیان در عراق توانسته‌اند رهبری سیاسی را به‌دست‌آورند، در لبنان به پیروزی‌های سیاسی و دفاعی دست‌یابند و در بحرین فعالانه به فعالیت پردازند؛ در این سه کشور، شیعیان اکثریت جمعیتی را دارا هستند و مذهب تشیع، عامل همبستگی آنان است.

نوام چامسکی، استاد دانشگاه و منتقد سیاست خارجی آمریکا معتقد است که طرح هلال شیعی، برگرفته از دوران جنگ سرد است و تهران در این هلال، محور است؛ هلالی که از ایران تا حزب الله در جنوب لبنان ادامه دارد و مناطق شیعی‌نشین جنوب عراق و نیز سوریه را دربرمی‌گیرد. به اعتقاد چامسکی، نفوذ ایران در هلال شیعی، موجب به‌چالش کشاندن تلاش‌های آمریکا برای کنترل منابع انرژی خاورمیانه است. وی بدترین کابوس واشینگتن را در این می‌داند که ائتلافی شیعی، کنترل

مهم‌ترین ذخایر نفت جهان را مستقل از آمریکا برعهده‌گیرد و آمریکا را در این نبرد شکست‌دهد؛ چنین بلوکی می‌تواند به سازمان همکاری شانگهای که ایران عضو ناظر آن است و همچنین سازمان امنیت انرژی آسیا بپیوندد (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

به نظر می‌رسد وجود مانورها و جنگ تبلیغاتی ضد ایران و شیعیان منطقه، درخصوص تشکیل هلال شیعی، به کشورهای سنی‌مذهب منطقه اختصاص ندارد و شاهد تحرک‌های فرامنطقه‌ای هماهنگ با این تبلیغات هستیم. عوامل فرهنگی و اعتقادی، دسترسی به منابع عظیم انرژی و موقعیت ژئواستراتژیکی، موقعیتی ممتاز برای ایران در هلال شیعی به‌وجود آورده‌است که با توجه به حسایت غرب نسبت به این منطقه، می‌تواند امنیت کشور را تحت تأثیر قرار دهد (جمالی، ۱۳۸۶: ۱۱).

روزنامه *الشرق الاوسط* به پدیده هلال شیعی مطرح‌شده توجه کرده و به‌صورت مکرر به سران عرب برای گسترش نفوذ ایران هشدار داده‌است. *عسان الامام* در مقاله‌ای ادعای کند که جهان عرب در معرض نفوذ خطرناک ایران قرار دارد؛ وی معتقد است که شکافی عمیق، میان جهان عرب وجود دارد که از نشانه‌های این شکاف کشورهایمانند لبنان، سوریه و عراق، حتی در هماهنگی جنبش حماس با جمهوری اسلامی جستجو می‌کند. وی معتقد است برای مقابله با نفوذ ایران باید به هویت فرهنگی و تاریخی عرب برگشت نه به هویت ناصریسم (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

نکته شایان توجه در اینجا وجود شکاف میان شیعه و سنی است که با گذشت سال‌ها این شکاف نه‌تنها رنگ‌نباخته بلکه هر روز به روش‌های گوناگون، فرصت بروز پیدامی‌کند. طرح هلال کنونی مطرح‌شده می‌تواند یکی از موانع جدی در راه وحدت جهان اسلام باشد. طرح هلال شیعه می‌تواند ضمن ایجاد تفرقه میان کشورهای جهان اسلام، نکته مورد بحث مقاله یعنی بهبود روابط سیاسی ایران و مصر را با مشکل مواجه‌سازد. به‌رغم آنکه کشورهای منطقه مانند عربستان در زمره دورترین کشورهای جهان از معیارهای نوین حکمرانی مبتنی بر دموکراسی و آزادی هستند، به دلیل روابطی حسنه که با قدرت‌های جهانی ایجاد کرده‌اند، توانسته‌اند منافع اهل سنت را بسیار بیشتر دنبال کرده، دشواری‌هایی را برای شیعیان به‌وجود آوردند. اگر نقش غرب در حمایت از این طرح را از یک سو و شورایی مانند عربستان و گروه‌های سلفی مورد حمایت این کشور را از سوی دیگر در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که این طرح چه اندازه می‌تواند بر کشورهای منطقه، وحدت جهان اسلام و روابط سیاسی ایران و مصر، تأثیر منفی بگذارد.

۳- سلفی‌گری: زمینه اعتقادی تشدید اختلاف‌های شیعه و سنی

امروزه وهابیون که در منطقه ما و بلکه در خارج از منطقه، بسیار حضور دارند و گروه‌های تکفیری تشکیل داده‌اند، خود را سلفی می‌نامند. در فرهنگ امروزه عرب سلف به معنی پیشینیان از صحابه و تابعان است و سلفی‌گری به معنی پیروی از اندیشه و راه روشن آنهاست. از نظر محققان، شعار سلفیه ابتدا در مطبوعات مصر به کار برده شد؛ یعنی هنگامی که مصر به اشغال انگلستان درآمد، گروهی از مصلحان در برابر هجوم فرهنگ غربی، مردم را به اسلام پیشینیان دعوت کردند؛ ولی آنان از احیای این مکتب، هرگز قصد تکفیر دیگران را نداشته‌اند، بلکه از روی خوش بینی به صحابه و تابعان صدر اسلام استناد می‌کردند. در سال ۱۹۲۹ میلادی که جمعیت اخوان المسلمین در مصر تأسیس شد، آنان نیز تمایل خود را به این مسلک اعلام کرده، پیروی از گروه‌های نخستین اسلامی را نجات‌بخش امت اسلامی قلمداد کردند؛ اما سلفی‌گری که در سال ۱۳۲۰ه.ق در نجد تشکیل شد، خود را وارث محمد بن عبدالوهاب می‌دانست، موجی از سخت‌گیری و تندروی به راه انداخت و کم‌کم به تکفیر همه مسلمانان پرداخت (جمشیدی راد، ۱۳۸۹: ۱۸۱). امروزه در جهان اسلام جریان‌های افراطی به مانعی عمده در راه وحدت و یکپارچگی جهان اسلام تبدیل شده، مصیبت‌هایی بسیار را متوجه مسلمانان کرده‌است؛ فرقه وهابیت، یکی از این موانع اصلی است. وهابیت اهدافی طولانی و درازمدت در سر دارد و برای رسیدن به این اهداف به هر کاری دست می‌زند. مسلمانان و پیروان مذاهب را تکفیر، مخالفان خویش را ترور، قبور انبیا و اولیای خدا را تخریب و آثار و متون اسلامی را تحریف می‌کند (ضیائی، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

این فرقه با تعصب‌های جاهلانه و غیرعقلانی همراه با اغراض سیاسی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و با بهره‌گیری از روابط خوبی که با قدرتهای غربی برقرار ساخته، همواره ضد وحدت اسلامی اقدام کرده‌است. تاریخ وهابیت و دورنمایی که از این فرقه بدعت‌گذار افراطی مشاهده می‌شود، نشان‌دهنده «اعمال ناروا و ضداسلامی آنان، جنگ و ستیزه‌ها قتل و غارت‌ها به فرماندهی آل سعود از زمان محمد بن سعود تا عصر حاضر در ابعاد مختلف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای ضربه زدن به وحدت جهان اسلام» بوده است (جمشیدی راد، ۱۳۸۹). در زمان مبارک، عربستان به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای عربی سرمایه‌گذار در مصر مطرح بود؛ ارزش سرمایه‌گذاری این کشور در مصر بین ۴/۵ تا ۵/۴ درصد میلیارد دلار برآورد می‌شد. حدود ۸۰ درصد این سرمایه‌ها در بخش‌های املاک

و گردشگری متمرکز بوده است و ۲۰ درصد در بخش تجارت فعال است؛ در حال حاضر، عربستان و قطر، بیشترین سهم را در کمک و سرمایه‌گذاری در مصر دارند. سخنرانی رئیس‌جمهور مصر در افتتاحیه سران غیرمتعهدها در تهران و سپس تأکید بر آن در نشست وزارتی اتحادیه عرب در قاهره از تلاش مرسی برای کسب رضایت کشورهای عرب ثروتمند نشان‌دارد؛ این موضوع، مانعی مهم در ارتقای روابط سیاسی ایران و مصر بوده است (شکوه، ۱۳۹۱: ۱).

۳-۱- واکنش‌های اتخاذ شده و هابیان در مقابل شیعیان

ردیف	محورها	مصادق‌ها	مکان ابراز واکنش
۱	دینی و فقهی	فتاوی تکفیر شیعیان، تجویز قتل آنان	عربستان سعودی
۲	تشکیلاتی	ایجاد گروه‌های ضدشیعی (سپاه صحابه و طالبان)	پاکستان و افغانستان
۳	سیاسی و نظامی	ترور رهبران شیعی	پاکستان، عراق و لبنان
۴	مردمی	قتل عام شیعیان	پاکستان، یمن و عراق
۵	فیزیکی	تخریب اماکن مقدس شیعیان	عراق
۶	نظری	هلال شیعی	اردن و مصر
۷	انتشاراتی	چاپ و انتشار کتب ضدشیعی	عربستان سعودی
۸	الکترونیکی	فعالیت‌های سایت‌های متعدد، هک کردن سایت‌های شیعی	کشورهای مختلف

منبع: (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۵۱)

ترکیب گفتمان الجهاد مصری و گفتمان القاعده عربستانی، گفتمان اسلام سلفی قرن بیستم را به‌وجود آورده است؛ این گفتمان، واقعیت اجتماعی را عبارت از تضاد دائمی و پایان‌ناپذیر اسلام (نور) و جاهلیت (تاریکی) دانسته، راه‌حل آن را در تفسیر تحت‌اللفظی آیات قرآن می‌دانند (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). اقدام جریان سلفی پس از سقوط مبارک در حمله و تلاش برای تخریب‌های همیشگی برخی از امامزادگان اهل بیت (ع) با واکنش تند مردم و اخوان روبه‌رو شد. رقابت میان اخوان سلفی، امری اجتناب‌ناپذیر است. اخوان جریانی میانه‌رو با حمایت داخل است، در حالی که سلفی‌ها تندرو با حمایت خارجی کشور عربستان سعودی است (ریوران، ۲۰۱۳۹۱: ۲۰). حضور گسترده سلفی‌ها در داخل و خارج قاهره و حضور برخی از جریان‌های تکفیری مانند جماعت الاسلامیه و الجهاد و نیز هواداران القاعده در کنار آنها حکایت از خطری است که اخوان با نادیده‌گرفتنش راه سقوط را در پیش گرفت. جریان‌های سلفی که در ابتدا همراه اخوان‌المسلمین بودند، آرام‌آرام از این جریان

جداشده، در اتحاد با سکولارهای مصری، راه حذف اخوان المسلمین و سقوط دولت مرسى را درپیش گرفتند. هرچند امیدمى رود با توجه به شبکه قدرتمند اجتماعى که اخوان در اختیار دادن بتواند در سال‌های آتى دوباره به صحنه سياسى مصر بازگردد.

همان‌گونه‌که در مصر، لیبى و تونس مشاهده‌مى‌کنیم بحث درباره نحوه تقسیم قدرت میان فرقه‌های مذهبی و قومى در این کشورها بسیار جدی است. حوادثى مانند انفجار کلیسای قبطى‌ها در مصر یا درگیری‌های قومى در یمن و لیبى تاحدودى متأثر از ساختارهای قبیله‌محور و احساس ناامنى و بی‌اعتمادى میان این فرقه‌های قومى و مذهبی میان این کشورهاست؛ ازطرف‌دیگر، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، با تفاوتى عمده که در دین، قومیت، ساختار سياسى و ایدئولوژى دارند، مى‌تواند بر بحران‌های منطقه‌ای و داخلی بیفزاید؛ این رقابت‌ها حتى ممکن است به کشورهایی که در آنها خیزش مردمى شکل‌نگرفته، سرایت‌کند. تسرى رقابت‌های ایران و عربستان به مسائل داخلی در عراق، یا رقابت‌های ترکیه و عربستان در مصر مى‌تواند موجب گسترش بحران در خاورمیانه شود؛ اسرائیل و ایالات متحده نیز در این شرایط بی‌ثبات در منطقه، تاحدودى از این رقابت‌های درون‌منطقه‌ای، به نفع خود بهره‌برداری خواهندکرد؛ نکته دیگر اینکه تشدید بحران‌ها و نیاز به حضور مجدد ایالات متحده به‌عنوان ناجى و خاتمه‌دهنده به این بحران‌ها، به اصلاح نگرش و عقاید افکار عمومى درباره اسرائیل و آمریکا و افزایش نفوذ آنان کمک‌کرده، درنهایت، سبب کاهش امنیت در تمامی ابعاد آن در میان کشورهای خاورمیانه خواهدشد (فیروزآبادى، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

وجود سه گفتمان اسلام انقلابى با حمایت ایران، اسلام سکولار به حمایت ترکیه و اسلام سلفى که از عربستان سعودى و گروه‌های افراطى مانند القاعده در خیزش بیدارى منطقه، باعث شده‌است که گفتمان‌های رقیب برای کسب سهمى بیشتر از ساختار و قدرت سياسى در این کشورها به تضعیف و به‌حاشیه‌راندن یکدیگر تلاش‌کنند. بی‌تردید رقابت‌های گفتمانی درون‌دینی در صورتى که از حدود خود خارج شوند، در روابط کشورهای منطقه ازیک‌سو و ثبات و صلح در فرایند دولت‌سازى، ازسوی‌دیگر، تأثیر منفى خواهدداشت و به اختلاف‌های داخلی، قومى و مذهبی در کشورهای منطقه دامن‌خواهدزد. اسلام انقلابى با حمایت ایران، دال اصلی گفتمانی خویش را بر مبارزه با استکبار و غرب استوارساخته‌است و ازاین‌رو، عوامل دیگر را نادیده مى‌انگارد. سفر محمد مرسى، اولین رئیس‌جمهور پس از انقلاب مصر به ایران که پس از دهه‌ها قطع روابط، امید برقرارى روابط را زنده‌ساخته‌بود و

طرف ایرانی امیدوار بود که جبهه واحدی را ضد استکبار سامان دهد، با آب سرد سخنرانی مرسی، نقش بر آب شد، سخنرانی‌ای که مرسی ترجیح داد با زنده کردن اختلاف‌های سنی و شیعه در باب خلفای نخستین اسلامی به گستردگی و عمق اختلاف‌های شیعه و سنی اشاره کند؛ همچنین تحولات بعدی نشان دادند که انتظارات برای ایجاد جبهه‌ای واحد در برابر قدرت‌های جهانی، بیش از حد آرمان‌گرایانه بود؛ در واقع بایستی گفت به‌رغم امیدها و شوق‌ها برای وحدت جهان اسلام، در سطحی رئال و از منظری واقع‌گرایانه نمی‌توان به‌سادگی شکاف شیعه و سنی را نادیده انگاشت؛ ازسوی دیگر، روابط حسنه گفتمان‌های اسلام سلفی و اسلام سکولار با غرب ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی بسیار برای این دو گفتمان و به‌خصوص گفتمان سلفی برای محدودسازی گفتمان اسلام انقلابی ایران پدیدآورده‌است.

این نکته مهم به‌نظر می‌رسد که چالش‌های مذهبی امروز، نه‌تنها سیر حرکت‌های اسلامی منطقه را کندی کنند، بلکه موجب می‌شوند ظرفیت عظیم موجود به‌جای استفاده برای رشد مادی و معنوی جهان اسلام صرف خودزنی و تحلیل و نابودسازی دیگر بدنه‌های فعال امت اسلام شود. فرقه‌گرایی، آفتی خطرناک است و امت اسلام از آن بسیار رنج‌کشیده، بر اثر آن، خون‌هایی بسیار ریخته‌شده‌است. می‌دانیم که خیزش اسلامی دراصل، خاستگاه فرقه‌ای ندارد و در مسیری اسلامی، حرکت خود را آغاز کرده، ثمراتی خوب هم داشته‌است. ولی گرایش‌های فرقه‌ای در برخی از عرصه‌های خیزش به‌چشم می‌خورد که تهدیدی برای آن تلقی می‌شود و می‌تواند آن را از مسیر درست و مطلوب آن منحرف‌سازد (دهشیری، ۱۳۹۱: ۳۰۰).

نکته شایان اشاره، این است که کشور عربستان با داعیه فرقه وابسته وهابیت، یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید شکاف عقیدتی میان شیعه و سنی در منطقه است. کمک‌های اقتصادی این کشور و سرمایه‌گذاری‌های آن در مصر و حمایت از حزب سلفی نور در این کشور که گفتمان سازش با غرب و ضدیت با شیعه را به‌یدک می‌کشد، مانعی است بر سر راه بهبود روابط ایران و مصر در عصر بیداری اسلامی پس از سقوط رژیم مبارک است. سفر رئیس‌جمهور ایران در بهمن ماه ۱۳۹۱ به مصر می‌توانست نقطه عطفی پس از سی سال روابط سرد میان دو کشور باشد و به‌رغم تمایل اخوان‌المسلمین به گسترش روابط سیاسی میان دو کشور، حزب سلفی نور از سفر مقام‌های ایرانی استقبالی به‌عمل نیاورد.

نتیجه‌گیری

انقلاب ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن ۱۳۸۹) در مصر را باید مهم‌ترین پدیده در منطقه خاورمیانه دانست. از تبعات انقلاب مصر در مدت هجده روز، ۸۵۰ شهید و ۶۵۰۰ زخمی برجای ماندند که گوشه‌ای کوچک از واقعیت سقوط رژیم مبارک را نشان می‌دهد (whba, ۲۰۱۱:۱). وجود سه گفتمان اسلام انقلابی با حمایت ایران، اسلام سکولار به حمایت ترکیه و اسلام سلفی که از عربستان سعودی و گروه‌های افراطی، مانند القاعده باعث شده‌است که گفتمان‌های رقیب برای کسب سهمی بیشتر از ساختار و قدرت سیاسی در این کشورها به تضعیف و به‌حاشیه‌راندن یکدیگر تلاش کنند. مصر و ایران به دلیل موقعیت استراتژیکشان در منطقه، دو کشور مهم جهان اسلام و خاورمیانه محسوب می‌شوند. روابط ایران و مصر در طول تاریخ فراز و فرودهایی بسیار داشته‌است. با وقوع انقلاب در مصر و روی کار آمدن اسلام‌گرایان در این کشور انتظار می‌رفت که روابط دو کشور ایران و مصر پس از سی سال بهبودیابد و موجب وحدت هرچه بیشتر جهان اسلام شود. اما مشاهده می‌شود که روابط سیاسی دو کشور به نقطه مورد انتظار نرسید و با سقوط اخوان المسلمین، امیدها رنگ‌باختند. سفر محمد مرسی، اولین رئیس‌جمهور، پس از انقلاب مصر به ایران که پس از دهه‌ها قطع روابط، امید برقراری روابط را زنده ساخته بود و طرف ایرانی امیدوار بود که جبهه‌ای واحد را ضد استکبار سامان دهد با آب سرد سخنرانی مرسی، نقش بر آب شد؛ سخنرانی‌ای که مرسی ترجیح داد با زنده کردن اختلاف‌های سنی و شیعه در باب خلفای نخستین اسلامی به گستردگی و عمق اختلاف‌های شیعه و سنی اشاره کند؛ همچنین تحول‌های بعدی نشان‌دادند که انتظارات برای ایجاد جبهه‌ای واحد در برابر قدرت‌های جهانی، بیش از حد آرمان‌گرایانه بود.

از نگاه این مقاله، مبنای نظری و بستر عینی - عملی برای تحلیل تحول‌های منطقه، بایستی بر واقعیت شکاف شیعه و سنی و آرمان وحدت این دو، استوار شود. تعامل دوسویه واقعیت و آرمان در تحلیل تحول‌های منطقه، ضروری است. بی‌توجهی به واقعیت عینی و تمرکز صرف بر آرمان وحدت‌گرایی، سبب غفلت از درون‌مایه اصلی تحول‌ها شده، تحلیل اشتباه در باب سیر رخدادها را به دنبال خواهد داشت و بی‌توجهی به آرمان و تمرکز صرف بر واقعیت نیز اصل تلاش برای بهبود و اصلاح امور را عبث و بیهوده خواهد داشت.

از این رو در سطحی واقع‌گرایانه، مهم‌ترین دلیل عدم بهبود روابط ایران و مصر، شکاف عقیدتی

شیعه و سنی و تفاوت نگاه انقلاب ایران و اخوان المسلمین به مسئله رابطه با آمریکا و غرب است؛ مسائلی که نقش و اهمیت آن در تحول‌های اخیر منطقه نادیده انگاشته شد و برخی مواضع نسنجیده را به دنبال داشت. از مهم‌ترین عوامل تشدید شکاف میان تشیع و تسنن، سلفی‌گری با حمایت‌های عربستان و طرح هلال شیعی است؛ درعین حال در سطحی آرمان‌گرایانه، همواره بایستی به تلاش برای کاهش شکاف‌ها و اختلاف‌ها نظر داشت. در این نوشتار، هدف، بررسی تک‌علتی موانع روابط ایران و مصر نبوده است؛ بی‌تردید دلایل عدم شکل‌گیری مطلوب این روابط می‌تواند بسیار بیشتر از موارد مورد تأکید باشد.

فهرست منابع

۱- منابع فارسی

- قرآن کریم
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹)؛ «گفتمان اسلام سلفی و جهانی‌شدن امنیت خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی؛ سال سیزدهم، ش ۴.
- احمدی، سید عباس (۱۳۹۰)؛ ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه؛ چ ۱، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۲)؛ انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن؛ ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی؛ تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- بروجردی، عبدالهادی (۱۳۸۶)؛ «توسعه روابط ایران و عرب»، مجموعه بحث‌های نشست اندیشمندان ایران و عرب؛ چ ۱، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- پاک آیین، محسن (۱۳۸۸)؛ محبت اهل البیت علیه السلام حلقه اتصال مسلمانان ایران و مصر؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- پیشگاهی فرد، زهرا و صغرا میراحمدی (۱۳۸۸)؛ «تحلیل تاریخی - ژئوپلیتیکی ایران و مصر از جنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی؛ ش ۴۰.

- جمالی، جمال (۱۳۸۶)؛ «هلال شیعی و هژمونی آمریکا»، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی؛ ش ۲۰.
- جمشیدی راد، جعفر (۱۳۸۹)؛ «فرقه وهابیت و اهداف سیاسی آن»، فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال سوم، ش ۹.
- حاذق نیکرو، حمید (۱۳۹۱)؛ «قدرت نرم انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر بیداری اسلامی در جهان»، پانزده خرداد؛ دوره سوم، سال نهم.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۱)؛ «چالش‌های مشترک فرهنگی مذهبی فرآروی گفتمان بیداری اسلامی»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ ش ۲۸.
- رویوران، حسین (۱۳۹۱)؛ «جنبش اخوان المسلمین در مصر»، مطالعات بیداری اسلامی؛ سال اول، ش ۳.
- سلیمی، فاطمه (۱۳۹۱)؛ «مروری جامعه‌شناختی بر نهضت بیداری اسلامی مصر»، نشریه علوم اجتماعی؛ دوره پانزدهم، ش ۵۷.
- الشرقاوی، باکینام (۱۳۷۹)؛ «روابط ایران و مصر»، ترجمه سید محمود موسوی بجنوردی؛ فصلنامه مطالعات خاورمیانه؛ سال هفتم، ش ۲۴.
- شکوه، حسن (۱۳۹۱)؛ «درآمدی بر حضور اقتصادی عربستان و قطر در مصر»، پایگاه خبری بولتون نیوز.
- صیفوری، منوچهر (۱۳۸۷)؛ بازتاب جهانی انقلاب اسلامی؛ چ ۳، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ضیائی، رحمت‌الله (۱۳۹۰)؛ «وهابیت و تحریف میراث‌های علمی»، فصلنامه سراج منیر؛ سال اول، ش ۴، زمستان.
- علیزاده، حسین (۱۳۸۴)؛ «بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط ایران و مصر (دو قدرت منطقه‌ای خاورمیانه)»، وزارت امور خارجه.

- فوزی، یحیی، بهروز پایاب (۱۳۹۰): «مقایسه تطبیقی اشتراکات و افتراقات اندیشه سیاسی جنبش اسلامی سنی اخوان المسلمین در مصر و جنبش اسلامی شیعی در آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی؛ ش ۳۶، زمستان.
- فیرحی، داود (۱۳۷۸): قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام؛ تهران: نشر نی.
- فیروزآبادی، سید جلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱): «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ ش ۲۸.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و جواد کارآزما (۱۳۹۱): «بیداری اسلامی و دستگاه دیپلماسی ایران؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی؛ سال نهم، ش ۲۸.
- موسوی، محمد (۱۳۹۱): «انقلاب اسلامی ایران و تحولات ژئوپلیتیکی مصر»، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی؛ سال اول، ش ۴.
- نخعی، هادی (۱۳۷۶): توافق و تزامم منافع ملی و مصالح اسلامی؛ تهران: وزارت امور خارجه.
- نکاست، اسحاق (۱۳۸۷): شیعیان در جهان عرب مدرن؛ ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین؛ تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- وردانی، صالح (۱۳۸۲): شیعه در مصر از آغاز تا عصر امام خمینی(ره)؛ ترجمه عبدالحسین بینش؛ نشر مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۴): سیاست خارجی ایران در دوره پهلوی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷؛ تهران: نشر البرز.

۲- منابع انگلیسی

- Wahba, Khaled (2011), The Egyptian Revolution 2011: The Fall of Virtual Wall, The Revolution Systems Thinking Archetype, International System Dynamics Conference, Washington, DC, U.S.A., July, 24-28.
- Kinninmont, Jane, 'Bread, Dignity and Social Justice': Transition, Middle East and North Africa Programme, April 2012, MENAP BP 2012/01

۳- منابع الکترونیکی

- Alanoud al sharekh, (2011) :Reform and rebirth in the middle east, Survival , April -May 2011, [http://www.informaworld.com/terms-and-conditions-of-access. pdf](http://www.informaworld.com/terms-and-conditions-of-access.pdf)

Impact of Religious Gap between Shia and Sunni on Political Relations between Iran and Egypt after Mobarak

Nassaj, H. ^{1*}
Jamshidi Mehr, P. ²
Abdipour, N. ³

Received on: 05/11/2014
Accepted on: 08/02/2014

Abstract

The most important event after 1979 Iran's revolution is the current awareness wave in the area; the movement in which protest against cruelty, improvement of living condition and Islam following are the main properties. Undoubtedly the most important country for this event is Egypt. This country's strategic position and its impact on Islam world especially in Palestine has caused this paper survey its conditions and the obstacles for political relation between Egypt and Iran. The question is that why the political relation did not reach appropriate condition after Egypt's revolution and dismissal of Hosni Mobarak and before Ekhvan Al Moslemin Party dismissal? It was expected that in this condition the political relation get better after 30 years. Although both side officials had travels to the other country, but it did not resolved the problem. The obstacle for this included political gap between Shia and Sunni, West and USA's role, anti-Iranian and anti-Shia beliefs. This was descriptive-analytic documentary research.

Keywords: Iran, Egypt, Shia, Sunni, Islamic awareness, Arabic spring, Middle East.

1* . Assistant professor of political science, University of Isfahan,
(Corresponding Author: Hamid.nassaj@gmail.com)

2 . M.A. student of political science, University of Isfahan.

3 . M.A. student of political science, Allame Tabatabaie University.